



دانشگاه تهران

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

گروه مبانی فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش

عنوان:

تحلیل عاملیت انسانی در مواجهه با فضای مجازی بر اساس نظریه اسلامی عمل
و بررسی پیامدهای آن در تربیت

سمیرا علیرضاییگی

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر نرگس سجادیه

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر شهین ایروانی

سال تحصیلی 92-1391

نیم‌سال دوم

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان تحلیل عاملیت انسانی در مواجهه با فضای مجازی بر اساس نظریه‌ی اسلامی عمل و بررسی دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت به منظور پاسخ به چالش‌های امروز تعلیم و تربیت در برابر تکنولوژی‌های جدید مبتنی بر اینترنت و نقش قابل توجه آن در میان دانش‌آموزان انجام شده است. این پژوهش بر مبنای نظری نظریه‌ی اسلامی عمل و با بکارگیری روش‌های پدیدارشناسی و واسازی پایه‌ریزی شده است. شناخت ویژگی‌های عمل در فضای مجازی و استخراج مؤلفه‌های آن، نقش هر یک از این مؤلفه‌ها در مبادی و آثار عمل از یافته‌های بنیادی این پژوهش است. فضای مجازی، بستر جدیدی را برای عمل فراهم کرده که از سویی می‌تواند عاملیت انسان را بیش از قبل تقویت کند و از سویی دیگر این ظرفیت را دارد که با نفوذ در مبادی شناختی و گرایشی و ارادی عمل، انسان دچار انفعال کند. در تربیت نیز چالش‌های انفعال میان دانش‌آموزان باعث کم‌رنگ شده نقش معلم و انفال او میشود و از سویی دیگر خود دانش‌آموزان در این مواجهه ممکن است با تضعیف عاملیت روبرو شود. به همین منظور در این پژوهش چرخش‌هایی در مأموریت معلم و نقش او در کلاس درس پیشنهاد شده است تا از فرصت‌های وب برای بروز عاملیت استفاده شده و چالش‌های پیش‌آمده تا حد امکان کم‌رنگ شوند.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، نظریه اسلامی عمل، عاملیت انسانی

فهرست مطالب

5	فصل اول
5	بیان مسئله
7	ضرورت و اهمیت پژوهش
9	خلاصه ی پیشینه ی پژوهشی
12	اهداف و پرسشهای پژوهشی
13	روش پژوهش
16	تعریف مفاهیم کلیدی
فصل دوم	
Error! Bookmark not defined.....	
1. ماهیت تکنولوژی	
Error! Bookmark not defined.....	
2-1 رویکرد میچام به فلسفه های موجود تکنولوژی : رویکردی سامان بخش	
Error! Bookmark not defined.....	
3-1 رویکرد فین برگ به فلسفه های موجود تکنولوژی: بسط رویکرد سامان بخش	
Error! Bookmark not defined.....	
2. ماهیت فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	
1-2 دیدگاه دریفوس در باب فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	
2-2 دیدگاه فین برگ در باب فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	
3. نسبت عاملیت فرد با ساختار	
Error! Bookmark not defined.....	
4. رابطه ی میان معلم و دانش آموز	
Error! Bookmark not defined.....	
مبانی نظری: نظریه اسلامی عمل	
Error! Bookmark not defined.....	
فصل سوم	
Error! Bookmark not defined.....	
2. توصیف گام به گام روش	
Error! Bookmark not defined.....	
3. پدیدارشناسی ویژگی های معطوف به عمل در فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	
1-3 بررسی تجربه های ممکن در فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	
2-3 استخراج ویژگی های مرتبط به عمل در فضای مجازی با توجه به کارکردهای آن	
Error! Bookmark not defined.....	
4. بازپردازی مفهوم عمل در فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	
1-4 اقتضائات ویژگی های استخراج شده در انگاره کلی عمل و تأثیر آن بر عاملیت	
Error! Bookmark not defined.....	
2-4 ویژگی های عمل در فضای مجازی	
Error! Bookmark not defined.....	

Error! Bookmark not defined.....	فصل چهارم
Error! Bookmark not defined.....	1. در نظر گرفتن یک متن
Error! Bookmark not defined.....	2. بازشناسی قطب های تضاد در متن
Error! Bookmark not defined.....	3. جستجوی آرایش قطب ها
Error! Bookmark not defined.....	4. فرار دادن متن در زمینه
Error! Bookmark not defined.....	1-4 چالش های فضای مجازی برای مبدأ شناختی عمل در تعلیم و تربیت
Error! Bookmark not defined.....	2-4 چالش های فضای مجازی برای مبدأ گرایشی عمل در تعلیم و تربیت
Error! Bookmark not defined.....	3-4 چالش های فضای مجازی برای مبدأ ارادی عمل در تعلیم و تربیت
Error! Bookmark not defined.....	5. وارونه کردن قطب های تضاد
Error! Bookmark not defined.....	1-4 چرخش شناختی
Error! Bookmark not defined.....	2-4 چرخش گرایشی
Error! Bookmark not defined.....	3-4 چرخش ارادی
Error! Bookmark not defined.....	6. تحلیل شبه فرارونده
Error! Bookmark not defined.....	7. مفهوم پردازی جدید
Error! Bookmark not defined.....	فصل پنجم
Error! Bookmark not defined.....	پاسخ پرسش های پژوهشی
Error! Bookmark not defined.....	پیشنهاد های پژوهش
Error! Bookmark not defined.....	منابع و مآخذ

فصل اول

کلیات پژوهش

فصل اول

بیان مسئله

امروزه بسیاری از دانشمندان¹ بر این نظرند که در پی به وجود آمدن رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید با ظرفیت‌های متفاوت، انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی جدیدی در جهان به وقوع پیوسته است. در چنین جهانی فضای مجازی و اینترنت به عنوان جزئی لاینفک و اصلی، دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از سایر رسانه‌ها و فضاهای ارتباطی-اطلاعاتی عصر مدرن متمایز می‌کند.

می‌توان گفت که اینترنت کامل‌ترین و گسترده‌ترین منبع اطلاعاتی‌ای است که تاکنون توسط بشر خلق شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. در واقع اینترنت فضایی است برای ارتباط اذهان و خودهای متعدد بدون حضور جسم و عواقب ناشی از آن²؛ فضای اطلاعات و اشخاص از جا کنده شده؛ فضایی که به میزان سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی افراد، درجه‌ای از جهان به رویشان می‌گشاید. کاستلز³ (ترجمه علینقیان و خاکباز، 1389)، «فرهنگ واقعیت مجازی» و «زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها» را از جمله ویژگی‌های اصلی جامعه شبکه‌ای می‌داند. او بر این عقیده است که فضای مجازی حاوی اطلاعات متکثر و متنوع، به صورت بخشی از واقعیت اجتماعی عصر جدید در می‌آید و فضای اصلی تعامل‌های معرفتی را کم‌وبیش در اختیار می‌گیرد. دریفوس⁴ (ترجمه ملائکه، 1383) نیز با توجه به عدم تجسد انسان، که عبارت است از همه‌ی جنبه‌های تناهی و آسیب‌پذیری او در اینترنت، فضای مجازی را مکانی تعریف می‌کند که بدن ما در آن زندگی نمی‌کند. او در مواجهه انسان با این دنیای ناشناخته پرسشی را مطرح می‌کند و آن این است که اگر شبکه، نقشی بنیادی در زندگی پیدا کند چه رخ می‌دهد؟

علاوه بر این اینترنت به عنوان پدیده‌ای فن‌آورانه و دارای ابعاد وسیع فنی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، در سراسر زندگی انسان به گونه‌ای نقش بازی می‌کند که نمی‌توان آن را به عنوان پدیده‌ای مستقل و بی‌طرف در نظر گرفت. به طوری که امروزه فیلسوفان و جامعه‌شناسان به نحوه‌ی ساختاربخشی تکنولوژی به مؤسسات و تأثیرات آن در تمام جنبه‌های وجود آدمی می‌اندیشند (پیترز، 2006). بورگمان⁵ ارزیابی نسبتاً منفی‌ای از گسترش شبکه‌های کامپیوتری و ارتباطات مجازی در میان مردم ارائه می‌دهد. او بر این عقیده است که این گسترش باعث

¹ برای نمونه رجوع شود به: لیوتار (ترجمه نوذری، 1384) هربرت مارکوزه (ترجمه مؤیدی، 1389) و اندرو فین‌برگ (2001)

² رجوع شود به آلبرت بورگمان (1992)

³ Castells

⁴ Dreyfus

⁵ Borgmann

شده است که افراد در پرتو این شبکه‌ها احساس دست‌یابی به علمی لایتناهی^۶ و قدرتی مطلق^۷ بکنند که در حقیقت غیر واقعی و گیج‌کننده است (بورگ‌مان، 1992). عده‌ای از متفکران نظیر هابرماس نیز بر این باورند که راه‌حل‌های فن‌آورانه به عنوان الگوهای مشروع برای تأمل در باب مسائل اجتماعی یا هنجارین و اخلاقی در زندگی در نظر گرفته می‌شود و همین حالت باعث به وجود آمدن فن‌سالاری^۸ است (باقری، 1381).

با وسیع‌تر شدن گستره‌ی تأثیرات فضای مجازی در زندگی بشر، و در نظر گرفتن آن به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و چند ارزشی، استفاده از این فضا قلمروی عمل‌آدمی را نیز تحت الشعاع قرار داده است. بدین معنی که اگر فضای مجازی به مثابه‌ی جامعه‌ای در نظر گرفته شود که انسان‌ها در آن دست به عمل می‌زنند، شاید بتوان ادعا کرد که عاملیت فرد در این حالت نموده‌های جدیدی پیدا کرده است. از یک سو در نگاه اول فضای مجازی عرصه‌ی تحقق اراده‌ی فردی می‌نماید، درحالی‌که از سویی دیگر انسان‌ها در این فضا با پیامدهای عمل خویش مواجه نمی‌شوند و در نتیجه بعضاً از آن آگاه نخواهند بود. این موارد نمونه‌هایی از اثرگذاری فضای مجازی بر عمل‌آدمی است.

تأثیر فضای مجازی بر عمل‌آدمی را می‌توان به طور مشخص در دو حوزه‌ی دانشی و انسان‌شناختی مشاهده کرد. به طور مثال دسترسی به منابع متکثر و متنوع اطلاعات، که می‌توان از آن‌ها به عنوان مبادی معرفتی عمل در فضای مجازی یاد کرد، می‌تواند در نتیجه‌ی بروز انفعال شناختی، عاملیت فرد را تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، بنا بر اقتضائات این فضا که پیش از این بدان اشاره شد، احساس انزوا، کاهش مسئولیت‌پذیری در برابر عمل و مسائل هویتی^۹ می‌تواند از جمله آثار انسان‌شناختی گسترش استفاده از فضای مجازی باشد.

تأثیر فضای مجازی بر عاملیت انسان پیامدهای غیر قابل انکاری در تربیت دارد. برای نمونه اگر دانش‌آموز و معلم را به عنوان عاملانی در نظر بگیریم که در جریان تربیت حضور دارند، بدون در نظر گرفتن فضای مجازی به عنوان عنصر تأثیرگذار در تربیت، رابطه‌ی مطلوب معلم و دانش‌آموز رابطه‌ای دوسویه است که در این رابطه تعامل ناهمترازی میان معلم و شاگرد برقرار می‌شود. این تعامل ناهمتراز باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که دو عنصر ثبات و تغییر را همزمان در خود حفظ کند. در این حالت معلم یکی از مهم‌ترین حاملان دانش و ارزش‌هایی است که تا کنون استواری و استمرار یافته‌اند و دریچه‌ای از دانش و ارزش را به روی دانش‌آموز می‌گشاید و از طرف دیگر باب دگرگونی در هردوی آن‌ها باز است (باقری، 1389). با ورود اینترنت و فضای مجازی به عرصه‌ی تربیت

⁶ omniscience

⁷ omnipotence

⁸ technocracy

⁹ دریفوس (2001) و باربلز (2001) مستقیماً به این تأثیرات اشاره می‌کنند.

روابط ذکر شده با حفظ توانمندی‌های فعلی، دچار تغییر خواهد شد و عاملیت معلم و دانش‌آموز تحت تأثیر این ورود قرار می‌گیرد. به طور مثال با دسترسی دانش‌آموزان به منابع متعدد اطلاعاتی دیگر نمی‌توان از معلم به عنوان یکی از مهم‌ترین حاملان دانش و ارزش نام برد. بر این اساس نیاز جدی به بازنگری مبادی شناختی، گرایشی و ارادی عمل در معلم و دانش‌آموز و همچنین نحوه‌ی ارتباط میان آن‌ها احساس می‌شود.

با در نظر گرفتن این دگرگونی‌ها برای بررسی عاملیت انسان در فضای مجازی نیاز به اتخاذ الگویی نظری مبتنی بر عمل احساس می‌شود. در این بین رویکرد اسلامی عمل، از طرفی به دلیل بومی بودن و مستند بودن آن به آیات قرآن و از طرف دیگر به دلیل این‌که چارچوب انسان‌شناختی منسجمی است که بر مبنای عمل آدمی پایه‌گذاری شده و متمرکز بر عاملیت انسان است، مبنایی مناسب برای بررسی این موضوع به حساب می‌آید.

تمام موارد گفته‌شده نشان دهنده‌ی این واقعیت است که این مسئله به بحث مناقشه‌برانگیزی در عرصه‌ی تربیت تبدیل شده است و پرداختن به آن در دنیای اطلاعاتی و ارتباطاتی امروز می‌تواند برخوردی فعالانه و آگاهانه را به همراه داشته‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با توجه به اقتضائاتی که فضای مجازی برای متریبان به همراه دارد، بر پایه‌ی نظریه‌ی اسلامی انسان عامل و تأثیر این محیط بر عاملیت انسان تبیین شود و پیامدهای آن در تربیت مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

در مواجهه با تکنولوژی باید به دو نکته توجه کرد، نکته‌ی اول این‌که، این تکنولوژی‌ها چه امکاناتی را در تربیت پیش روی ما می‌گذارند؟ در عین حال بایستی در نظر داشت که این تکنولوژی‌ها تنها ابزارهایی خنثی نیستند که اطلاعات در آن‌ها جریان داشته‌باشند. نکته‌ی دوم این‌که دانستن این مسئله که تکنولوژی‌های نوین در تعلیم و تربیت چه کار می‌توانند بکنند و چه کار نمی‌توانند بکنند، چه تأثیرات ناخواسته‌ای دارند و چگونه ما را تغییر می‌دهند، بسیار حائز اهمیت است (باربلز¹⁰، 2001).

انقلاب چشمگیر اطلاعاتی با مرکزیت کامپیوتر، اطلاعات، ارتباطات و تکنولوژی‌های چندرسانه‌ای، همه چیز را تغییر داده است، از روش‌های کار کردن انسان‌ها تا راه‌هایی که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و اوقات فراغت خود را می‌گذرانند. این انقلاب اطلاعاتی عموماً به عنوان سرآغاز جامعه‌ی اطلاعاتی و ارتباطاتی تفسیر می‌شود و به همین دلیل، نقشی محوری به تعلیم و تربیت در تمام جنبه‌های زندگی می‌بخشد. این مسئله چالش‌های بسیاری پیش‌پای اصحاب تعلیم و تربیت در بازنگری اصول اولیه خود می‌گذارد. از همین رو پرداختن به این مسئله برای

¹⁰ Burbules

بازسازی فرآیند تحصیل و ارائه‌ی پاسخ‌های پیشرو و سازنده در جهت برطرف کردن نیازهای جدید تکنولوژیکی و اجتماعی که در حال حاضر تجربه می‌کنیم، بسیار ضروری است (کلنر¹¹، 2001).

از میان تأثیرات فراوانی که فضای مجازی در جنبه‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت وارد کرده است، مانند تغییرات به وجود آمده در ساختار مدارس، ارائه‌ی آموزش‌های مجازی و از راه دور، شیوه‌های نوین تدریس و ... می‌توان یکی از مهم‌ترین نقاط پیکان تأثیرات را متوجه مربیان و متریبان دید. فضای مجازی فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی را برای نقش‌آفرینان اصلی حوزه‌ی تربیت ایجاد کرده است. این فضا با در اختیار گذاشتن گزینه‌های جدید و متنوع، فرصت‌های انتخاب را برای افراد بیش‌تر کرده است. بایستی علاوه بر آزادی‌هایی که در فضای مجازی انسان‌ها با آن روبرو می‌شوند به این نکته توجه کرد که امکان دارد فرد هم‌زمان برخی از توانایی‌های بسیار مهم خود را از دست بدهد، برای مثال حس انسان از جدی بودن موفقیت و شکست که برای یادگیری ضروری است و همچنین خطر اجتناب از تعهد صادقانه و در پی آن از دست دادن تشخیص او از آن‌چه که به زندگی معنا می‌بخشد (دریفوس، 2001).

بنابراین تأثیر فضای مجازی از حیطة‌ی شناخت‌های آدمی فراتر می‌رود و انگیزه‌ها و اعمال وی را نیز متأثر می‌سازد. بخش قابل توجهی از این تأثیرات متوجه عمل آدمی است، چرا که حضور انسان در فضای مجازی، امکان‌های تازه‌ای در عرصه‌ی عمل برای او فراهم کرده است. عرصه‌ای که فاقد بسیاری از محدودیت‌های دنیای فیزیکی (متجسد) است. در این عرصه به دلیل اقتضائات و امکانات آن، ممکن است مبادی عمل انسان به همان نسبت مبادی عمل در دنیای واقعی تأثیر گذار نباشند. بر این اساس، انسان عامل، با اعمالش که به نحوی سازنده‌ی هویت اوست و با آن‌ها شناخته می‌شود، حال در بستر این فضای جدید قدم برمی‌دارد. به نظر می‌رسد عاملیت انسان به طور عام و عاملیت متربی به طور خاص، در این فضا دستخوش بسط و تغییر شده است و پیامدهای آن به صورت پنهان و آشکار در فضای تعلیم و تربیت قابل مشاهده است. در نتیجه شناخت عواملی که عاملیت انسان را به نحوی تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و زمینه‌ساز اعمال بعدی او هستند، به ویژه در حوزه‌ی تعلیم و تربیت لازم و ضروری است.

پس از روشن شدن ضرورت عملی پرداختن به این موضوع، باید چارچوبی نظری، متناسب با مسئله‌ی پژوهش برگزید و بر مبنای آن به پژوهش پرداخت. چرا که پرداختن به این موضوع، خارج از یک چارچوب نظری، خطر پراکنده‌گویی و عدم انسجام را در برابر پژوهش حاضر قرار می‌دهد. از این رو، در میان نظریه‌هایی که عمل آدمی

¹¹ Kellner

را مورد بررسی قرار داده‌اند و از عاملیت انسانی سخن گفته‌اند، ضروری است که نظریه‌ی اسلامی عمل را به عنوان مبنای نظری برگزید، چرا که این نظریه چارچوب انسان‌شناختی منسجمی را ترسیم کرده که علاوه بر پرداختن به عمل آدمی و تبیین آثار آن، مبتنی بر آیات قرآن نیز هست و همین مسئله آن را به منبعی اصیل برای بررسی تربیت اسلامی از منظر فلسفی بدل می‌کند.

خلاصه‌ی پیشینه‌ی پژوهشی

خلاصه‌ی گزارشی از پژوهش‌های انجام‌شده متناسب با موضوع پژوهش حاضر به سه حوزه تقسیم می‌شوند. در این تقسیم بندی تنها از مقالاتی نام‌برده شده‌است که می‌توانند در راستای انجام این پژوهش مؤثر واقع شوند. در جهت استفاده از یافته‌های پایان‌نامه‌های مرتبط، به مقالاتی مراجعه شده‌است که از آن پایان‌نامه‌ها استخراج شده‌است. دسته‌ی اول این مقالات به تبیین رویکردهای فلسفه‌ی تکنولوژی می‌پردازند و نسبت تعلیم و تربیت را با این رویکردها بیان می‌کنند و متناسب با آن‌ها استلزاماتی را در تربیت برمی‌شمارند. دسته‌ی دوم به چالش‌ها و افق‌هایی می‌پردازد که ساختار تعلیم و تربیت در مواجهه با تکنولوژی با آن‌ها روبروست. و در نهایت پژوهش‌هایی که به بررسی نقش عاملیت انسانی در تعلیم و تربیت می‌پردازند.

پژوهش‌های مربوط به چالش‌ها و افق‌های پیش‌رو در مواجهه با تکنولوژی

باربلز (2001) در مقاله‌ی خود با عنوان «چرا فیلسوفان تعلیم و تربیت باید به مسائل تکنولوژی بپردازند؟»¹² قصد دارد فیلسوفان تعلیم و تربیت را نسبت به تغییراتی که تکنولوژی‌های جدید ارتباطات و اطلاعات در تعلیم و تربیت ایجاد کرده‌اند، آگاه کند. او معتقد است این تغییرات نیازمند کاوش‌های فلسفی است و فیلسوفان بایستی با این مسائل آگاهانه روبرو شوند و موضع نقادانه و مولدی را در پیش بگیرند. باربلز دوره‌ی کنونی را دوره‌ی گذار در تعلیم و تربیت می‌داند و معتقد است شناخت تهدیدها و فرصت‌ها در این زمان کار ساده‌ای نیست و باید با این مسائل عمیق‌تر درگیر شد. او برای نمونه به موارد متعددی از تهدیدها و فرصت‌های جدیدی که با گسترش تکنولوژی، تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اشاره می‌کند. این مقاله ضمن این که ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش پیش‌رو را روشن می‌کند، زمینه‌های چالش برانگیزی را برای تحلیل و بررسی بیش‌تر متذکر می‌شود.

کلنر (2001) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «تکنولوژی‌های نوین / سواد‌های نوین: بازساختاربخشی تعلیم و تربیت برای عصر جدید» تغییراتی را که ورود تکنولوژی در ساختار تعلیم و تربیت ایجاد کرده‌است برمی‌شمارد و

¹² Why Philosophers of Education Should Care About Technology Issues?

بر این عقیده است که در جامعه‌ی چندفرهنگی معاصر، به دلیل تغییراتی که تکنولوژی‌های جدید در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی ایجاد کرده‌اند، مربیان بایستی به گونه‌های جدیدتری از سواد دست پیدا کنند. برخی از این سوادها نو ظهور عبارت‌اند از سواد رسانه‌ای به عنوان چالشی حل نشده، سواد رایانه‌ای که امروزه مفهومی بسیار گسترده یافته است و سواد چندگانه و چندرسانه‌ای که افق‌های جدیدی را پیش رو می‌گذارد. این مقاله تأثیراتی که ساختار تعلیم و تربیت از مواجهه‌ی گسترده با تکنولوژی می‌پذیرد، بر می‌شمارد. از طرف دیگر به انسان به عنوان بازیگران در این ساختار تغییر یافته اشاره‌ای نمی‌کند و برای آن‌ها رویکردی منفعلانه در پیش می‌گیرد که باید خود را با چنین تغییراتی وفق دهند.

آل حسینی (1385) در مقاله‌ی خود با عنوان «وجوه فراموش‌شده‌ی دانایی در عصر اطلاعات» می‌نویسد عصر اطلاعات نباید موجب شود که غایات تعلیم و تربیت به غایات قابل نیل توسط فناوری فروکاهند. از این رو باید با مواجهه‌ی آگاهانه در این عرصه گام برداشت. درک اهمیت خصلت ضمنی دانش در آموزش و مواجهه‌ی فعال با اطلاعات به منظور کسب بینش توصیه‌هایی است که این مقاله در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به آن‌ها اشاره می‌کند.

پژوهش‌های تبیین‌کننده‌ی نسبت فلسفه‌ی تکنولوژی و تعلیم و تربیت

مقاله‌ی «به سوی فلسفه‌ی تکنولوژی در آموزش و پرورش»¹³ نوشته‌ی پیترز (2007) نیز به تغییراتی که تکنولوژی در در نحوه‌ی بهره‌گیری ما از اطلاعات، ایجاد سواد جدید و تغییراتی که در فرایندهای دانشی ایجاد کرده است می‌پردازد و معتقد است که این تغییرات هم امکانات جدیدی را پیش‌روی انسان قرار می‌دهند و هم مخاطراتی را در بردارند. پیترز به روش‌های مختلفی که می‌توان تعلیم و تربیت را وارد نقشه‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی کرد، اشاره می‌کند. به این منظور او ابتدا به دسته‌بندی‌های موجود در فلسفه‌ی تکنولوژی پرداخته و سپس نگاه متخصصان تعلیم و تربیت را به این تئوری‌ها بیان می‌کند. این مقاله در پی‌ریزی ساختار فلسفی- تربیتی متناسب با تکنولوژی و بهره‌گیری از نظریه‌های موجود درباره‌ی فلسفه‌ی تکنولوژی به این پژوهش کمک شایانی می‌کند.

رویگرد باقری (1381) به تکنولوژی نیز، در مقاله‌ی خود با عنوان «فلسفه فناوری و آموزش فناوری» مطرح شده است. در این رویکرد، تکنولوژی به عنوان امری طبیعی- فرهنگی- چندان‌رزشی در نظر گرفته شده که در برابر رویکردهای طبیعی- خنثی و رویکرد فرهنگی- تک ارزشی قرار دارد. در این رویکرد تکنولوژی به عنوان پدیده‌ای در نظر گرفته می‌شود که در عین طبیعی بودن، خصیصه‌ی فرهنگی نیز دارد و در بعد فرهنگی خود تحت تأثیر ارزش واحدی نیست و چند ارزشی است. از طرف دیگر نظر بر آن است که تعامل تکنولوژی و امور اجتماعی بدون

¹³ Towards Philosophy of Technology in Education

هیچ‌گونه تقلیل‌گرایی میان این دو صورت پذیرد. در نهایت استلزامات تربیتی بر اساس این رویکرد مطلوب در مقاله پیشنهاد شده است.

در مقاله‌ی «بررسی دیدگاه‌های فلسفی درباره‌ی نسبت فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت» نوشته‌ی ضرغامی (1386) دیدگاه‌های فلسفی مختلف درباره‌ی فناوری اطلاعات در حوزه‌ی تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گرفته و از سه دیدگاه مختلف مدرنیسم، انتقادی و پست‌مدرن نام برده شده است. این دیدگاه‌ها را می‌توان به دو گونه‌ی متفاوت صورت‌بندی کرد. چیدمان اول، خطی جهت‌دار است که از دیدگاه مدرنیسم شروع شده و به دیدگاه پست‌مدرن ختم می‌شود. این چیدمان باعث می‌شود که دیدگاه پست‌مدرن به عنوان دیدگاه جامع‌تر انتخاب شود. اما همین دیدگاه‌ها با چیدمانی چرخه‌ای، نگرش جدیدی به دست می‌دهند. در این حالت مریدان پس از تحقق یافتن رویای تکنولوژی در تعلیم و تربیت که حاصل دیدگاه مدرنیسم است، به نقد نارسایی‌های آن می‌پردازند. همین امر باعث ایجاد دگرگونی برآمده از دیدگاه پست‌مدرن می‌شود. پس از این دگرگونی، دوباره رویایی جدید پرورنده می‌شود و چرخه به همین منوال ادامه می‌یابد. جامع‌نگری به جای یکسونگری فنی در به‌کارگیری فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت به عنوان اولین استلزام برآمده از این الگو و تلقی فناوری به عنوان محصول دانش نه تولیدکننده‌ی دانش از دیگر استلزامات منتج‌شده‌ی این مقاله است.

پایان‌نامه اسکندری (1388) با نام «نقد معرفت‌شناسی نظریه‌ی ارتباط‌گرایی براساس معرفت‌شناسی اسلامی» با معرفی مفصلی از نظریه‌ی ارتباط‌گرایی که برآمده از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی است به تبیین انواع جدید یادگیری می‌پردازد. بدین ترتیب، ارتباط‌گرایی که از طرفی بر دانش ارتباطی و دانش توزیع شده، و از طرف دیگر بر فناوری‌های نوین (شبکه‌ها) استوار است، در تلاش است که دیدگاه جدیدی را در معرفت‌شناسی، و پیرو آن، متناسب با عصر دیجیتال، یک نظریه یادگیری جدید ارائه کند.

پژوهش در حوزه‌ی تعلیم و تربیت با در نظر گرفتن عاملیت انسانی

کلس راث^{۱۴} (2011) در مقاله‌ای تحت عنوان «درک عاملیت و تربیت شخصیت» با به خدمت گرفتن رویکرد کانتی و همچنین مقایسه‌ی اندیشه‌های او با نظریه‌های اخلاقی کار^{۱۵} و کورسگارد^{۱۶} (راث، 2011)، عاملیت انسانی را تعریف می‌کند و راه‌کارهای اخلاقی کردن انسان‌ها را با در نظر گرفتن عاملیت در تعلیم و تربیت بیان می‌دارد.

¹⁴ Klas Roth

¹⁵ Carr

¹⁶ Korsgaard

به نظر می‌رسد این مقاله در گام سوم پژوهش حاضر یعنی بررسی پیامدهای مسئله‌ی مورد مطالعه در تربیت مفید واقع شود.

با نظر به تمام پژوهش‌های انجام‌شده و همچنین دسته‌بندی صورت گرفته می‌توان جای خالی پژوهش حاضر را به روشنی مشاهده کرد. در دهه‌ی دوم قرن 21م، تکنولوژی و به طور مشخص موضوع مورد بررسی این پژوهش، یعنی فضای مجازی، نه تنها در ساعات رسمی و در ساختار تعلیم و تربیت نقش بازی می‌کند و در آن تغییراتی ایجاد می‌کند، بلکه در تمام لحظه‌های زندگی متربی با او همراه است و در نتیجه، اعمال او را تحت تأثیر قرار خواهد داد و در نتیجه‌ی عاملیت او را نیز متأثر خواهد کرد که این مسئله، پیامدهای غیرقابل انکاری در تربیت خواهد داشت. آنچه که تا به حال در هیچ کدام از پژوهش‌های انجام شده، به آن پرداخته نشده است.

اهداف و پرسش‌های پژوهشی

اهداف پژوهش

هدف کلی:

بررسی عاملیت انسانی در مواجهه با فضای مجازی و پیامدهای آن در تربیت

اهداف جزئی:

- بررسی تغییرات عاملیت انسان در مواجهه با فضای مجازی
- تبیین پیامدهای تأثیر فضای مجازی بر عاملیت انسان در تربیت

پرسش‌های پژوهشی

1. عاملیت انسان در مواجهه‌ی او با فضای مجازی چه تغییری کرده است؟
 - 1-1 ویژگی عمل در فضای مجازی چیست؟
 - 2-1 این ویژگی‌ها بر کدام یک از مبادی عمل (بر اساس نظریه اسلامی عمل) و چگونه تأثیر می‌گذارد؟
 - 3-1 آثار عمل در فضای مجازی بر مبنای نظریه اسلامی عمل چگونه است؟
2. با توجه به این تغییرات صورت گرفته در عاملیت انسانی، هر یک از مؤلفه‌های تربیت دستخوش چه تغییراتی می‌شود؟

- 1-2 فضای مجازی عاملیت متربی را چگونه دستخوش تغییر می کند؟
- 2-2 این فضا عاملیت مربی را چگونه تغییر می دهد؟
- 3-2 رابطه ی مربی و متربی با در نظر گرفتن اثرگذاری های فضای مجازی به چه نحوی تغییر می کند؟

روش پژوهش

معرفی اجمالی روش پژوهش

در راستای اتخاذ یک روش برای پاسخ به سؤالات پژوهش و نیل به اهداف آن، باتوجه به ماهیت سؤالات لازم است روش مناسبی برگزیده شود. با نگاهی دوباره به پرسش ها می توان دریافت که استفاده از یک روش واحد برای پاسخ گویی به تمام سؤالات مناسب نیست، چرا که تمام پرسش ها از یک جنس نیستند. از این رو نیازمند به کارگیری روش های متعددی خواهیم بود. در ادامه ضمن تقسیم بندی پرسش ها، روش های مناسب برای پاسخ گویی به آن ها نام برده خواهد شد.

برای پاسخ به سؤال اول، لازم است ابتدا ماهیت کلی عمل در فضای مجازی تبیین شود. برای پاسخ به این پرسش رویکرد تحلیل پدیدارشناختی به کار گرفته می شود.

پس از آن که مختصات عمل در فضای مجازی ترسیم و ویژگی های آن برشمرده شد، می بایست به این سؤال پاسخ گفت که عمل در فضای مجازی مبادی و آثار عمل را چگونه دستخوش تغییر می کند، که این مسئله در خلال پاسخ گویی به سؤال اول و هم چنین به کمک پدیدارشناسی صورت گرفته به خدمت گیری روش مفهوم پردازی پاسخ داده خواهد شد.

پرسش دوم به تبیین پیامدهای تأثیر فضای مجازی بر عاملیت در رابطه با هر یک از مؤلفه های تربیت می پردازد. در این راستا، باید دید اولاً عاملیت متربی و در گام دوم رابطه ی مربی و متربی چگونه تغییر خواهد کرد. در این صورت است که می توان ادعا کرد تأثیر فضای مجازی بر عاملیت در تربیت مشخص شده است. برای پاسخ گویی به آن سه پرسش از روش واسازی استفاده می شود.

بررسی تفصیلی روش ها

- روش پدیدارشناختی:

روش پدیدارشناختی در ابتدا توسط هوسرل برای دستیابی به ماهیت کلی یک چیز به کار گرفته می‌شد. به اعتقاد هوسرل باید برای رسیدن به ماهیت چیزها از روش‌های نظری و علمی فاصله گرفته و به سوی ذات یا ماهیت پدیده‌ها رفت. (باقری، 1389، ص 273-264)

در راستای پاسخ به سؤال اول و توصیف ماهیت کلی عمل مجازی از رویکرد پدیدار شناختی هوسرل استفاده می‌شود، در این روش ابتدا تجربه‌ای معین که مایل به شناخت ماهیت آن هستیم در نظر گرفته می‌شود، تجربه مورد نظر در این بخش از پژوهش عمل در فضای مجازی خواهد بود. در گام بعد با در پرانتز قرار دادن و تعلیق و تغییر خیالی ویژگی‌ها، ویژگی‌های جزئی که ثابت نیستند را کنار گذاشته و همچنین به گونه‌های متنوعی از ویژگی‌ها دست می‌یابیم. در نهایت به صورت کلی به خصیصه‌های عمل در فضای مجازی دست پیدا می‌کنیم.

سرانجام با به خدمت گرفتن این روش، مفهوم عمل در فضای مجازی و ویژگی‌های آن آشکار خواهد شد و در نتیجه پاسخ سوال اول روشن می‌شود.

- مفهوم‌پردازی

هنگامی که ساختارهای مفهومی موجود برای پاسخ‌گویی به نیازهای نظری و عملی ناکافی به نظر رسند، می‌توان به وسیله‌ی تغییر و یا بازسازی جنبه‌هایی از این ساختار، به مفهوم نوینی دست یافت (شورت، 1387، ص 53).

بر همین اساس، این روش برای مشخص کردن تأثیراتی که فضای مجازی بر مبادی و آثار عمل خواهد گذاشت، به کار گرفته می‌شود. چرا که این نظریه، عمل آدمی را به طور کلی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است، اما به نظر می‌رسد با وارد کردن فضای مجازی به عنوان عرصه‌ی جدیدی برای عمل باید به مفهوم-پردازی دوباره‌ای پرداخت. این روش به پژوهش حاضر کمک خواهد کرد تا به سؤالات جزئی دوم و سوم پاسخ دهد.

در این روش رهنمودهایی وجود دارد که برخی از آن‌ها به تناسب، هم‌چون خطوط راهنمای این پژوهش عمل می‌کنند:

- دانستن این که مفهوم جدید قرار است به چه کار آید: یعنی این که بدانیم مفهوم جدیدی از عمل مجازی که در نتیجه‌ی این مفهوم‌پردازی به دست می‌آید، بناست چه مشکل یا مشکلاتی را حل کند و عاملیت انسان را چگونه تحلیل می‌کند.
- حفظ معنای اصلی مفاهیم اساسی که غایات و مسائل تربیتی بر پایه‌ی آن‌ها فهم و تعیین می‌شود: این رهنمود در پژوهش حاضر بدین معناست که در جریان مفهوم‌پردازی، تنها به بسط و گسترش